

یونوس نبی

۱

یونوس نبی آ خدا سرچی بگنه

۱ کلوم خداوند وَر یونوس نبی کووک اَمَتای نازل بیس و گُف: ۲ «ورسک و به نِنوا، او شر گپ رو و به مردم اونجون گو که خداوند بفرمایه: شرارتا شُمون آ نظر مو مخفی نسن و مو زیتره شُمون نابود گنم.» ۳ اما یونوس ورسید تا آ حضور خداوند به شر ترشیش گروزه! پ به بندر یافا رسید. اونجون کشتیه جوس که مخاس ترشیش رووه. کِراشه دا و سوار بیس تا آ حضور خداوند به ترشیش گروزه.

۴ اما خداوند باد تَنده به دریا زَنَد و اوطو طوفون گپه ورسید که چی نموند بید کشتی غرق گنه. ۵ ملوونون به وحشت اُفتیدن و پیش خدا خوشون فریاد کوردن. هُنون بارا کشتی به دریا رختن تا وان سبک گنن. م ای مدت، یونوس پی خیال راحت م امبار کشتی خو سنگینه رفت بید. ۶ ناخدای کشتی پیش او رفت و گُف: «چطو تری راحت خُفتکی؟ ورسک و پیش خدا خودت فریاد گن، بلکه او وَر اُمون رحمه گنه و هلاک نیوم.»

۷ اوسون ملوونون به یکدو گفتن: «بیایه قرعه بهم تا فَمم مسبب ای بلا کیه.» ایطو کوردن و قرعه به نوم یونوس اُفتید. ۸ بعد آ او پرسیدن: «به اُمون گو مسبب ای بلا کیه؟ کارت چیه؟ آل گجویی؟ آ کو ال و تباری؟» ۹ یونوس جواب دا: «مو عبرونی هسُم و خداوند، خدای اَسُمون که زمین و دریان اُفریده بپرسُم.» ۱۰ او پباهون سخت به وحشت اُفتیدن و آ او پرسیدن: «یان چه کاریه که کوردیه؟» ۱۱ چو دونسن آ حضور خداوند بگروزه، چو خودش نوهاتر

به هُنون گُف بید.

^{۱۱} دریا هموطو متلاطم و متلاطمتر بیس. بعد آ او پرسیدن: «پی تو چه گنیم تا دریا وَر اَمون آروم گِرَه؟» ^{۱۲} یونوس گُف: «مونَ گِرَه، به دریا بَهه تا دریا وَر شَمون آروم گِرَه. چو دوئم مسبب نزول ای طوفون عظیم وَر شَمون مو هِسْم.» ^{۱۳} اما او پیاہون سخت پارو زن تا کشتیَ به خشکی ورگردونن، اما نترسن. سی یانکه دریا تلاطمش هر لحظه بیشتر و بیشتر بیس. ^{۱۴} پَ به درگا خداوند فریاد زن که: «آه ای خداوند، آ تو تمنا بکنیم تا سی دل ای شخص اَمونَ هلاک نکنی. مَهَل دَس اَمون به خین بی گُناہه آلوده بوہ. چو تو ای خداوند هر چی خوشه بووی، انجوم دهی.» ^{۱۵} اوسون یونوسَ گروفتن، به دریا پس و یکنه دریا آروم گروف. ^{۱۶} او پیاہون سخت آ خداوند ترسیدن و قریونیا تقدیمش کوردن و سیبش نذرا کوردن.

^{۱۷} هموسون خداوند موہی گپه فرسید و موہی یونوسَ ملقنیدش و یونوس سو روز و سو شو م ایشکم موہی موند.

۲

دعا یونوس

^۱ یونوس آ ایشکم موہی پیش خداوند، خدا خودش دعا کورد. ^۲ و گُف:

«به وخت تنگی خداوند خومَه بونگ کوردم

و او مونَ مستجاب فرمود.

آ عالم مرگ ای خداوند فریاد زَندم و تو به دائم رَسیدی

و تو صدا مونَ فَمیدی. ^۳ مونَ م قولیا دریا بسی،

م گرد اَوا غرق بیسْم،

لُفا اَو مونَ احاطه کورد،

و کُل طافا و لُفا اَو

مونَ م خوشون پوشنیدن. ^۴ گفتم: «آ تپه تو اَفْتیدمَه.

چطو ترسه بووم آندو وَر خونہ مقدست سیل گُئم؟» ^۵ م طافا دریا غرق

بیسْم، نَزیک به موردن بیدم.

قولیا مونَ م خوشون گروفتن؛

قزووا گرد سَرَم پِچسن. ^۶ تا ئن گُوها فرو رفتم،

درا زندی رییم بَندسین، م دیار موردن زندونی بیسْم.»

«اما تو زندی مونَ آ گور نجات دویی،

تو ای خداوند، خدای مو. ^۷ وختی که گُلِ اِمِدِ خومَه آ دَس دام بید،
 یِه رَ دِگه تَوَن ای خداوند به یاد آوردُم؛
 و دعام به درگا تو بِلند بیس
 و به خونِه مقدست رَسید. ^۸ هُنون که بتا بی ارزش عبادت بگُئِن،
 وفادوری خوشونَه ترک گُئِن. ^۹ اما مو پی آواز شکرگزاری
 سی تو قریونی بگُئِم،
 و نذرُم آدا بگُئِم.

نجات آ جانوب خداوندَه. ^{۱۰} اوسون خداوند موهَی امر فرمود و موهَی
 یونوس سَر زمین خشک قی کورد.

۳

مردم نِنوا توبه بگُئِن

^۱ اوسون کلوم خداوند سی رَ دووم وَر یونوس نازل بیس و گُف: ^۲ «وَرسَک
 و به نِنوا، او شَر گپ رو و پیومیَه که به تو بگوؤم، به هُنون رَسون.»
^۳ یونوس ورسید و مطابق کلوم خداوند به نِنوا رفت. نِنوا شَر خلی گپه بید
 اوطو که سو روز طول بگشید تا کسبه سراسر وان گَرده. ^۴ یونوس اومه م شَر
 و بعد آ یِه روز رَه رفتن شروع به موعظه کورد و گُف: بعد آ چل روز نِنوا
 گُش چپ ری ببووه. ^۵ اهولی نِنوا به خدا ایمون آوردن و به همه اعلام کوردن
 که روزه گرن و آ گپ و کوچوکشون، پلاس پوشیدن.
^۶ وختی که پادشا نِنوا فَمید که یونوس چه گفته آ تخت خودش اومه زر،
 جومه شاهونشَه آ وَش دِرورد و پلاس پوشید و م خاکستر نشس. ^۷ اوسون م
 سراسر نِنوا ای پیوم فرسندید، گُف: «به فرمون پادشا و گپون دربارش، هیچ
 آدم یا جوون، گلّه یا رمه، نوا چی خورن یا چرن یا نوشن. ^۸ گُل آدمون و
 جوونا و پلاس پوشن و مردم به درگا خدا التماس گُئِن و هر کونشون آ اعمال
 بد خوشون دَس وردارن. ^۹ کسبه چه دونه؟ بلکه خدا آ خشم خودش ورگرده و
 وَر اُمون ترحم گُئِه و اُمون آ بن نَبَره.»
^{۱۰} وختی خدا دید هُنون آ رها بد خوشون دَس ورداشتته، وَر هُنون ترحم
 کورد و آ بلاپه که مخاس سَرشون آره منصرف بیس.

۴

سنگدلی یونوس و رحم خدا

۱ اما یونوس اَرحمِ خدا وَر مردم نِنُوا چِر اومه و ناراحت بیس، ۲ او به درگا خداوند دعا کورد، گُف: «خداوندا، وختی م مملکت خودم بیئم و تو به مو گفتی اینجون آیم، دونسم که تو ا تصمیم خودت منصرف بیوی، چو تو خدا مریبون و بخشنده هسی و در غضبی و خلی احسان گنی و سی دل یان مخاسم به تَرشیش گروزم. ۳ ایسون ای خداوند، جوئم گر که موردن سیم بتر آ زنده موندنه.» ۴ اما خداوند جوواب دا: «آیا خوبه که تو ایطو چر آیی؟» ۵ اوسون یونوس ا شر در رفت و جایه م شرق شر سر زمین نشس. اونجون سی خودش سایه بونه ساخت و زرش بندیر موند تا بیئه چه سر شر میایه.

۶ اوسون خداوند خدا، زیتره سوزیه عمل آورد و وان تا بالا سر یونوس نمو دا تا وش سایه بهه و کمه راحت بووه. یونوس ا بابت او سوزی خلی شاد بیس. ۷ اما سحر گه، صوباش خدا کرمه فرسئید و کرم ساقه سوزیه خورد و سوزی خشک بیس. ۸ چو عفتو درومه، خدا باد سُوره ا جانب شرق فرسئید و عفتو او طو سر یونوس زند که بی تاب بیس و آرزو موردن کورد، گُف: «موردن سیم بتر آ زنده موندنه.»

۹ اوسون خدا به یونوس گُف: «آیا رواس که سی دل سوزیه چر بووی؟» یونوس گُف: «آ، رواس که تا به حد موردن چر بووم.» ۱۰ خداوند گُف: «تو وَر سوزیه که محنته سییش نکشیدی و وان گپ نکوردیه، دل سوزوندی، سوزیه که شووه سر کشید و شووه ام ملوسیس. ۱۱ اوسون مو چطو ترم وَر نِنُوا دل نسوزئم، وَر او شر گپ که صد و بیس هزار تن جمعیت داره که دس راس و چپ خوشونه ام تشخص نم دهن و همیطو جونا زیادش؟»